

مجلس سنا

پیه از منتهی اول

کوادت
کوادت ناوانی مفخر شد
دو قوه بقتل رسنون
درخابان بیت متبری خوب کوچه
کیا پندت دکان شکنگی کارزاره که
متدن بشار اکرم پیشید
روز جمهور کار دکان: کان: بکار
عادی خود مشغول بود. ناکنون موتور
دکان که فاقد شارست و در دنیا زاده
نشار متفقیر شد. بیدار چند لحظه که
دو و آتش بطری کرد. کار کان
ناوانی متوجه شد که دو فرآنان
در راه خارج دکان نش دزین
گردیده اند.
منهجه فرقه کربلایی پیش
ساله بلاصله در ای خوده شدن بهجه
در داخل: کان قوت که واسیل فردا
قریانی ۲۴ ساله بیرون که بکاره
پرتاب شده بود پیدا چند لحظه که
سرمهد اقای دکتر سنتک پیشنهاد
با غافل از پرسن کیک جناده هاماینه
نحوه واجهه دن صادر کرد.
نده قابل توجه اینست که افغان
کوادت وقطه ای از آن پس از بور
از بوار مقابل وارد اطاق رو روسی
شود و تخته ای راکه مسولا در آن
موقع شخصی روی ان میتواند سوراخ
میگذند و پیار می اند.
سایر کار دکان دکان پیش مفترض
سیروخ گردیده اند.

دوقه دو اثر گیاز دخال

قوت کردن
عباسی قبای و میف اه کوچک
در کوچه ای واقعه ده لای مسدان
شناز دریت اطاق تازه ساز مسکن
دافتنه.

شب برای کوک دردن خود مقلع
آتش کوکند و در های اطاق را بسته
به خواب رفتند ولی سبب دیگر از خواب
بر نهادند زیراهه در ای کاز دخال
قوت کرده بودند.

آقای طاهری باز پرس داد لشی
اچهاد را میانه و اجاوه دن صادر
گردیده اند.

در چاه قوت گرد

در خیابانی یکه دنی داشت
باریکی بضریکه هاده اشتغل داشت.

ناکنون چاه استخراج دیگری بهای می بود

باز شد و متفقی مزبور در دنیا خواهد

گرد. آقای کن اوری بزشک قاعده

باخان آقای طاهری باز پرس داد که

جسدره میانه و اجاوه دن پیش از

فرند حین شهره داده دن پوره

ساله صادر گردیده اند.

بچاه آب افتاد

دوشیزه زهر اند خلادر شادره

آن داقم دریت کارو اند رادر دن

خیابان ساج ده دن اند دن

که دن

مدون قابله و ضم حمل نهاد

وقوت گرد

فاطمه دختر محمدعلی هیل محمد

های نام اند بدن فایل دن

و ضم حمل

کرد در زیمه هدم توجه قوت دن

و رو و خروج

و رو و

حیة الاسلام اقای سود کاظم

طاهری ای متبری پیش از دن

در منزل حبیه لاسلاهی های ای اقتامت

گزیده است.

آقای اردشیر نهاده

دیلمان که دن

شایسته‌ای بعمل آوردن

که خبرنگارداره آنرا پیشمه که کارش
ساخت از فاقد همراه بتهمن برای
خواستگان هر چند هشتین توصیف کرد
است.

تصدی در طول سفر

مغیر هنگامها که با همراه خود پیوست
صیح: بروز پاسپیون مصدق از قزوین کاد
فاروق سوی تهران سر کت کرد

تهران دسته دسته بطری مهربانی ایاد
حرکت بودند و نفرات احمد زاد و
جمهوره ایاد را کیا همچو شد

تعیین شده بود فرار کرته و پیغام
خواهی میگردید و از احساسات پاک و مسالمه
و عنانی بسته بودند

مهر آباد غریه را احساسات
از ساعتی بازده چشم میبیند

تهران دسته دسته بطری مهربانی ایاد
در کمال ظلم در جایگاه های شود مسخر

بودند دچار هیجان لرزیده و آنکه
چشم میگذرد و بادکه های بالو سیاهش

بازی کردند

دفتر مصدق سویی نظر بود که
از داخل هواپیما در آستانه ظاهر کشیده
در دنده و دنده که هنوز باقی نیامده است

قبل مرآ تکان داد عشق و علاقه شدیدی
بود بای او راه را باز کرد و ملت بیجی مص

عصر اندیش و محن و حنفیه ایاد
متاپس میدام و تانیا چون همراهی که باطیمه به آخر مراجعت رسیده بدم

ظاهر و کنایی پسر بردام میلارم اکرچند و زی از عمر باقی است تغیر
رویه نداده و همانطور شامل الذکر بوده باش از این چوت راضی نیستم

هیچ کان یقینی حسن ظان دارد در چراید ذکر و مقدر را خیل نماید تنهای
چیزی که از عموم اتفاقیان معتبر میدارد از این است که
ما همچنان از علم اسلام را که هموما خدمدیم و خیل خواهان ملت هستند بوده
یا ای اختری تصریح یا تأثیری داشت ذکر نمایند که موجب کدورت صاحب
شرع خواهد بود از خداونه مثالی مثالی دارم عموم ملت مسلمان ایران را
از شرور اجانب خفظ و ملک شیرمه را با استقلال و عظمت چاویده

الحق محمد الموسوی البهیانی عفی عن

در موضعی ایاد و مهربانی دارند

دوستی و ملکیت ایاد و مهربانی دارند

آن تخفیخ ایاد و مهربانی دارند

در موضعی ایاد و مهربانی دارند

و ایاد و مهربانی دارند